

# صنعت طبع و نشر در افغانستان

علی پیام

اشاره: این نوشته به توسعه صنعت طبع و نشر در افغانستان در طی ده سال بعد از امارت طالبان اشاره دارد. آنچه که در اینجا می‌خوانید، صرفاً حاصل برداشت شخصی‌ام از صنعت طبع و نشر در افغانستان است. پس شما هم این راه اندازه نگاه و برداشت شخصی یک تماشاچی یا یک شاهد ارزشگذاری کنید. به نظر من صنعت طبع و نشر در یک کشور روی سه پایه یا سه ضلع استوار است: ۱. جامعه فرهنگی و یا کتابخوان، ۲. طیف لهالی قلم، ۳. وضعیت خوب اقتصادی یا وجود فضای تجاری. البته یک ضلع یا پایه دیگر نیز می‌توان افزود که عبارت باشد از اهتمام نظام سیاسی ناظر به تبلیغات فکری منظومه سیاسی. آنچه در اینجا صنعت طبع و نشر می‌خوانیم، تنها جنبه فرهنگی انتشار کتاب نیست، بلکه ویژگی‌های فنی و تجاری آن را هم در نظر دارد و همه امور فنی مثل قطع، صحافت، کاغذ، طراحی، آی.اس.بی.ان، بازاریابی و حتی صفحه‌آرایی و مسایل نگارشی را در خود می‌گیرد.



## طبع و نشر در بخش دولتی

مقایسه وضعیت فعلی طبع و نشر افغانستان با وضعیت ده سال قبل، برای مطالعه رشد صنعت این کشور ما بسیار سودمند است. بهترین مثالی که از رشد کیفی و کمی صنعت طبع و نشر کشور در بخش دولتی می‌توان زد، طبع و نشر مجموعه قوانین افغانستان در سال‌های اخیر است. مجموعه قوانین دوره‌های تاریخی گذشته مانند امارت اسلامی طالبان، جمهوری دموکراتیک خلق، جمهوری افغانستان و پادشاهی افغانستان به خوبی نشان می‌دهد که طبع و نشر از ارزش‌های صنعتی برخوردار نبوده است. اما پروژه چاپ مجموعه قوانینی که در سال‌های آخر از سوی

وزارت عدلیه به کمک مؤسسات خارجی در داخل افغانستان انجام شده است، به وضوح نشان می‌دهد که طبع و نشر کشور ما پا به مرحله صنعتی شدن گذاشته است. کیفیت چاپ، کاغذ، طراحی، صفحه‌آرایی، صحافی، امور متنی مثل وجود فهرست اعلام، پاورقی‌ها و پانوشت‌ها و غیره با توجه به موضوع تجاری و یا بازاریابی از جمله مواردی است که رشد صنعت چاپ و نشر را در بخش دولتی نشان می‌دهد.

البته قابل یادآوری است که رشد این بخش مربوط است به حضور جوانان درس‌خوانده و اهل کتاب، و گرنه کتاب‌هایی که به طور مثال در اکادمی علوم طبع و نشر می‌شود هنوز دل در گرو



کهنگی دارد. منظور من این است که ساختارها به طور کلی کهنه مانده است و کتابهای بخش دولتی دارای مشکلات فنی طبع و نشر است که از اطلاع در این بخش خودداری می‌کنم

### طبع و نشر در بخش خصوصی

در یک نظر کلی، طبع و نشر در بخش خصوصی در مقایسه با ده سال قبل و پیشتر، رشد چشمگیری داشته است. کتابهای منتشر شده در دوره حکومت حزب دموکراتیک خلق در قالب کارهای انجمن نویسندگان افغانستان، از نظر صوری و یا کیفیت چاپ با کتابهایی که در ده سال اخیر در داخل کشور به بازار آمده است قابل مقایسه نیست. البته با اینکه برخی از ناشرین، مؤلفین، استادان دانشگاهها، نویسندگان، شاعران و هنرمندان به طبع و نشر به عنوان صنعت یا فن چاپ و نشر نگاه می‌کنند، برخی از ناشرین کتابهایی را در پشاور پاکستان به شکلی بی کیفیت به چاپ می‌رسانند.

به هر حال شکل گرفتن ایده طبع و نشر به عنوان صنعت، رقابتی ساختن بازار کتاب، صورت زیبا و محتوای غنی کتابها، بخشی از توسعه صنعت طبع و نشر را به نمایش می‌گذارد.

در طی این ده سال، پروژههای چاپ و نشر محصولات فرهنگی که از سوی مؤسسات بین‌المللی و کشورهای تمویل کننده روی دست گرفته شده است، به رشد این صنعت کمک شایانی کرده است. مؤسسات داخلی هم تلاش کرده‌اند که از افراد کشورهای مختلف، برای رشد کیفیت چاپ و نشر در کشور الهام بگیرند در همین مسیر، تنوع سلیقه‌ها و بهره‌مندی از تجربیات کشورهای مختلف در امر طبع و نشر در افغانستان بساط‌آلایی، کاروان انکشاف صنعت طبع و نشر را شتاب بخشیده است. همین

طور تنوع مضامین، تنوع محتوا و مطالب از جمله مواردی بوده است که در امر کیفی طبع و نشر کمک کرده است. حقوق بشر، دموکراسی، حقوق زنان و اطفال، انتخابات، سکتورهای هشتمگانه افغانستان از جمله موضوعاتی بوده‌اند که کتابها، جزوه‌های معلوماتی و نشرات مختلفی در این زمینه‌ها منتشر شده است. انتشار کتابهایی در عرصه ادبیات آفرینشی، هنر خوشنویسی و سینما از سوی بنگاه‌های نشراتی و نهادهای فرهنگی و اجتماعی، از مؤلفه‌های انکشاف صنعت طبع و نشر در افغانستان به شمار می‌رود.

البته از آنجایی که سلسله نشرات مؤسسات داخلی و خارجی در بازار عرضه نشده و مستقیم در اختیار مردم قرار گرفته است، از چشم منتقدین و محققین بازار کتاب پنهان مانده است.

تنوع آثار و مضامین در این سالها و رشد کمی و کیفی چاپخانه‌ها، از دیگر عوامل قابل توجه در انکشاف صنعت طبع و نشر در افغانستان بوده است. تجهیز چاپخانه‌های کشور به جدیدترین ماشین‌های چاپ، نقشی سازنده در صنعت طبع و نشر داشته است.

این رشد کیفی و کمی صنعت طبع و نشر، به ترویج کتابخوانی نیز کمک کرده است. در سالهای اخیر انکشاف و توسعه کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها در مرکز و ولایات، نشان‌دهنده انکشاف جامعه کتابخوان است.

### مشکلات و چالش‌ها

اما با همه اینها، صنعت طبع و نشر در افغانستان در شرایط کنونی با مشکلات و چالش‌های عمیقی نیز مواجه است. از جمله می‌توان به توجه نکردن برخی از مؤلفین به طبع و نشر به عنوان

بنیاد اندیشه

تاسیس ۱۳۹۴

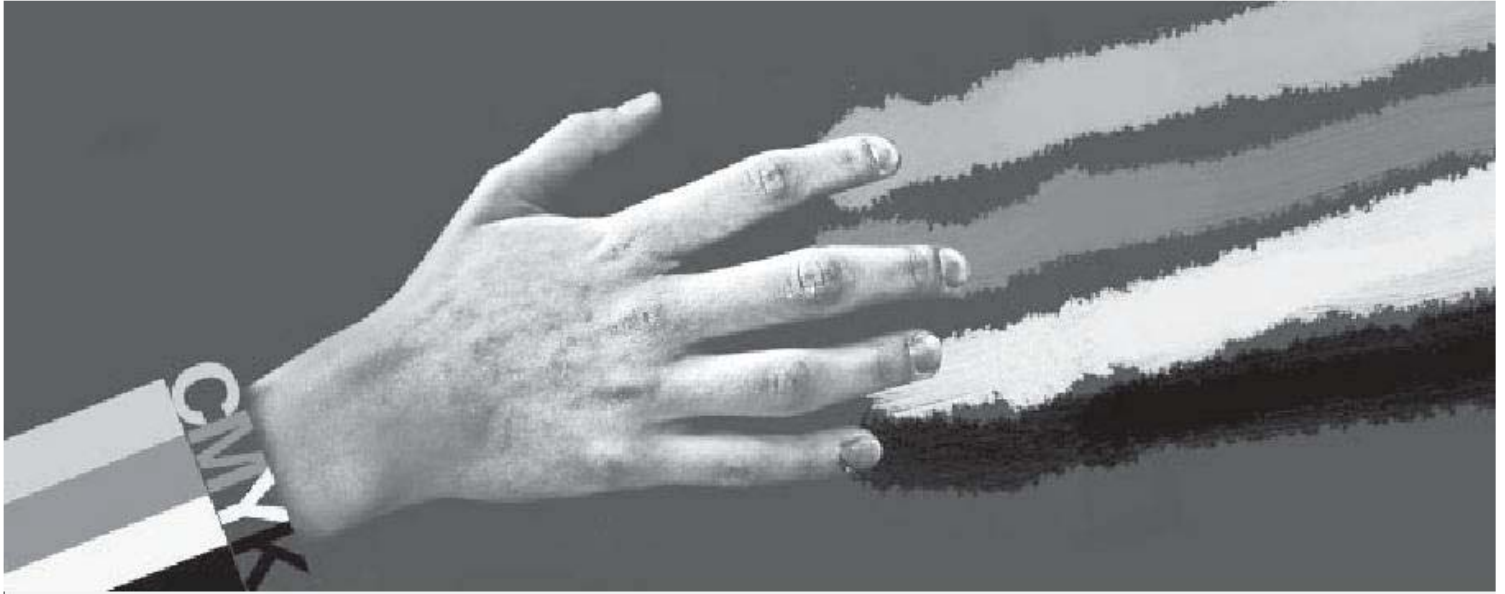


فرهنگ و اندیشه  
۱۴

۹۰







یک صنعت اشاره کرد. هنوز بسیاری‌ها به انتشار ساده و خام یک اثر بدون رعایت اصول و معیارهای چاپ و نشر می‌اندیشند و این مشکل حتی در بعضی نهادهای دخیل در امر طبع و نشر هم وجود دارد.

نبودن سوبساید و دیگر زمینه‌های حمایت از سوی نهاد دولتی نبود زمینه‌های اشتغال مولدین فکری و فرهنگی و فرصت‌های شغلی، دیگر مشکل پیش روی انکشاف صنعت طبع و نشر در افغانستان است. فرار نویسندگان، شاعران، مصنفین، هنرمندان و صاحبان آثار فرهنگی از کشور و کوچ آنان به سرزمین‌های عاری از جنگ و خشونت، به این مشکلات افزوده است.

علاوه بر این‌ها، در بعضی از تولیدات فرهنگی، تضاد زبانی به شکل پنهان، حالتی تخریب‌کننده دارد. تعصب و عدم مسالمت در بین برخی از فارسی‌زبان‌ها و پشت‌وزبان‌ها و گاهی به زمین زدن بعضی زبان‌های رایج در این کشور، مشکلات پنهانی است که صنعت طبع و نشر را از درون مثل خوره می‌خورد.

### تهدیدها

کوچ آفرینندگان آثار مکبوب از این کشور، تهدیدی در جهت توقف روندهای رو به رشد تولیدات فرهنگی است و این قضیه بر انکشاف صنعت طبع و نشر در افغانستان تأثیر می‌گذارد. جنگ‌های زبانی نیز کاروان پرشتاب ارتقای کیفی و کمی این صنعت را مختل خواهد کرد. این جنگ‌ها فرصت‌های بسیاری را می‌سوزاند؛ ذهن‌ها و روحیه‌ها را خسته می‌سازد و شیوه‌های ناپسند حذف و منع را گسترش می‌دهد.

از این گذشته برخی از اهالی سیاست و فرهنگ و متولیان امور فرهنگی تجربیات تازه طبع و نشر را نمی‌آزمایند و بر کهنگی فکری و ذهنی‌شان پافشاری می‌کنند. این‌ها مثل سدی در برابر

توسعه صنعت طبع و نشر قرار دارند.

در صورتی که از سوی نهادهای دولتی به کالبد صنعت طبع و نشر خون تزریق نشود، ماشین‌های چاپ مدرن به مرور زمان خاکه‌ها و خامه‌هایی را بیرون خواهد داد که هیچ نشانی از توسعه این صنعت نخواهد داشت. منظور من از تزریق خون، ایجاد فرصت‌های شغلی برای اهل قلم، سوبساید، حمایت از ناشران و اتحادیه‌های صنفی طبع و نشر، ایجاد روحیه فرهنگی و ملت‌سازی در بین مردم است.

### فرصت‌ها

در این سال‌های پسااطالیانی، فرصت‌های حمایتی بسیاری از دست رفته است. با آن هم مدیریت فرهنگی همیشه فرصت‌ها را خلق می‌کند. باید پذیرفت که پول‌های هنگفت این سال‌ها نقش خود را در توسعه و انکشاف صنعت طبع و نشر گذاشته است. صنعت طبع و نشر تنها انتشار داستان و شعر نیست، بلکه بسیاری از کتاب‌ها در حوزه‌هایی چاپ شده است که از دید اهل ادب و تحقیر کشور پنهان مانده است. عدم انسجام مجموعه نشرات و کمبود منابع معلوماتی و نایاب شدن بسیاری از این کتاب‌ها، در این پنهان‌ماندن مؤثر بوده است.

حضور نویسندگان، شاعران، هنرمندان و دیگر صاحبان آثار در کشورهای مختلف، ارتباطات بین‌المللی نهادهای ملی و شخصیت‌های تأثیرگذار، ارتباط نهاد دولتی با مراجع بین‌المللی، ایجاد صندوق‌های حمایتی برای صنعت طبع و نشر، وجود روحیه فرهنگی از سوی برخی از اقشار صاحب سرمایه از جمله عوامل فرصت‌سازی است که روند رو به رشد این صنعت را تداوم خواهد داد.

